

حماسه سنگ

■ سیدعلی موسوی گرمارودی

من اهل غزه، اهل فلسطینم
در دست‌های کوچک من، سنگ
بر دوش، یک فلاخن سنگ‌افکن
در دل، هوای جنگ
در پیش روی، دشمن.

این سنگ

میراث ماست

میراث روزهای خدایی

وینک به روزهای جدایی،

این سنگ چون سجیل

در روزهای سرد شقاوت

میراث آتشین ابابیل است

تا خشم مرا

بر دشمنان قدس فرو بارد

بر لشکر مهاجم غاصب:

سگ‌های زخم‌خورده شمعون

بوزینه‌های صهیون.

آری،

این سنگ‌هاست

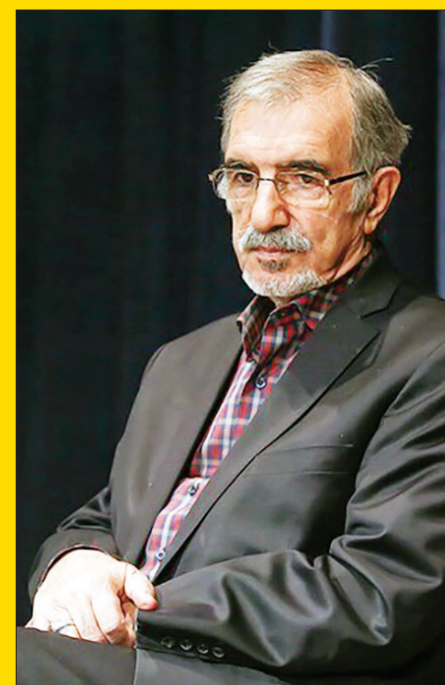
اینک، تنها

کارآم می‌رباید از دشمن

در چشم دوست نیز،

می‌پرسم:

آیا می‌شکند خواب؟



شعر مقاومت

نیم قرن است که
شاعران ایرانی
در همدردی با
مردم فلسطین
شعر می‌گویند

سارا اقبالی

شاعر و منتقد

ای غیبتِ غرورِ صبوران! حضور باش!
ای قدس! ای بلادِ بلاکش! صبور باش!
ما غازیانِ سهمِ شهابِ «محمد»یم
لختی دگر بپای، قوی باش، آمدیم...

(علی معلم‌دامغانی)

یکی از ویژگی‌های شعر معاصر ایران، همدردی و همگامی با مبارزان و مردم فلسطین بوده است. نهضت سنگ یا انتفاضه به دلیل تلاش‌های آزادی‌خواهانه در چارچوب اصول اسلامی به دفاع از ارکان جامعه خود پرداخته که نگاه جهان را به جهت مظلومیت و سادگی در دفاع به خود جلب کرده است. شاعران ایران نیز در پی آرمان‌های مشترک آزادی‌خواهی و جریان مبارزه علیه استکبار و همچنین نگاه جهان‌شمول به مساله مقاومت، شعرهایی در ارتباط با فلسطین خلق کرده‌اند. در شعر فلسطین همواره نوعی اعتراض علیه شقاوت‌های رژیم صهیونیستی نهفته است. از طرفی دیگر، شعر مقاومت بیان رشادتها و استقامت‌های مردم در برابر زورمداران و خونخواران است. اسماعیل شاه‌رودی، محمدعلی سپانلو، قیصر امین‌پور، علی معلم‌دامغانی، سیدعلی موسوی گرمارودی، عبدالجبار کاکایی، علیرضا قزوه، سلمان هراتی، یوسفعلی میرشکاک، مهرداد اوستا، حسین اسرافیلی، احمد زارعی، صدیقه وسمقی، مصطفی علی‌پور، غلامرضا مرادی، محمود اکرمی، ضیاءالدین ترابی، آرش باران‌پور، مرتضی نوربخش، کریم رجب‌زاده و... از شاعرانی بودند که در این زمینه آثاری خلق کرده‌اند و نشان دادند که علیرغم این که ملت ایران خود گرفتار چنگال همان حاکمان و مستبدان است، اما دمی از انسان گرفتار مجاور خود در جغرافیای دیگر غافل نیست. هویت

انسان برای او اساس هر چیزی است و با همین آرمان است که به یاری برادر خود برمی‌خیزد و او را برمی‌انگیزاند تا در برابر ظالمان و متجاوزان قد علم کند.

زنده‌یاد احمد زارعی در شعر «سنگ برادر فلسطین»، همصدا با انتفاضه، خطاب به فلسطین می‌گوید:
سنگ برادر فلسطین! همه سنگ‌اندازند/ بانگ برادر برادر! همه بی‌آوازند/ چه کسی گفت که فریاد تو بی‌تأثیر است/ زازال تا به ابد جلوه یک تکبیر است/ گر بخواهند و نخواهند، تو را می‌خواهیم/ گر بیایند و نیایند، تو را همراهیم/ جامه‌ها تیره، ولی عشق در آن تابان است/ آستین پاره، ولی دست خدا در آن است/ بوی خیبر ز پس کوه احد می‌آید/ رفته‌رفته است که اسلام به خود می‌آید/ سر من، زخم تو از خیبر و خندق دارد/ تیغ خونریز تو بر گردن من حق دارد/ چند قرن است به ما ضربه زنی ای ناپاک!/ گرچه بر خاک بیفتیم، نیفتیم به خاک/ تیغ عشاق بلند است و نیاید کوتاه/ راه ما از دل زخم است و ببریم این راه/ تا سلاح علوی در کف من می‌روید/ خود به خود بر بدن دشت کفن می‌روید/ این زره نیست که کرید به تن، این کفن است/ باز هم مرکبتان، زیر شمشیر من است/ آب خورده است ز خون‌های شما شمشیرم/ به علی قبله خود را ز شما می‌گیرم.

در نیمه دوم قرن بیستم، جهان بستر حوادثی تلخ بود. با وقوع جنگ‌ها و ستیزهای دولت‌های غربی در پی کسب منافع اقتصادی، به جریان‌افتادن تفکر قدرت‌طلبی و تسلط و سیطره بر جهان، در سرتاسر جهان شاهد اتفاقات انقلابی متعددی بودیم. همگام با انقلابات جهانی، جامعه ما نیز به جهت نیاز به تغییرات بنیادین در نظام حکومتی و فشارهای موجود از سوی رژیم، تنازعات کشورهای همسایه در پی دخالت‌های بی‌مورد در پی کسب منافع غنی

کشور، گسترش هسته‌های زیرزمینی و چریکی و از همه مهم‌تر، ترویج تفکرات دینی-مذهبی، موجب گسترش التهابات و زدوخوردهای نظامی در کشور شد که سرانجام منجر به مقاومت و انقلاب شد. اصطلاح «شعر مقاومت» در سال ۱۳۴۹، از سوی «م، آرم» در دفاع از شعر چریکی در دانشگاه فنی تهران، تحت نام «شعر مقاومت، شعر تسلیم» ارائه شد. انقلاب ایران اگرچه در آغاز به تأسی از انقلاب‌های دیگر کشورها به‌ویژه انقلاب شیلی و حرکت‌های ارنست چه‌گوارا، ماندلا و... بود، اما یک تفاوت بنیادین با آنها داشت و آن چیزی نبود جز پابندی به اصول و مبانی دینی و تبعیت از حرکت‌ها و نهضت‌های امامان و ائمه به ویژه نهضت عاشورا بوده است. با این همه، شعر نیز در این فضای تازه با انقلابیون و مردم همگام و همراه شد و شعرهایی پدید آمدند که از ساحت‌های انقلابی برخوردار بودند. لذا وقتی که از «شعر انقلاب» سخن به میان می‌آید، منظور شعرهایی‌اند که در وصف روند شکل‌گیری انقلاب، توصیف ستمگری‌ها و ظلم‌گری‌های دوران طاغوت و فداکاری، ایثار و ازخودگذشتگی جانبازان انقلاب و در پی پیروزی انقلاب اسلامی سروده شده‌اند. با چنین تفکری بود که شاعران از همان نخست نگاهی به دیگر مبارزات دوخته بودند. در این میان تجاوز به مردمان بی‌دفاع فلسطین، از سایرین دلگراتر بود و تقریباً عمده شاعران ایران از همان نخستین سال‌های تجاوز اسرائیل به سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸، بر آن شدند صدای رسای مردان و بی‌پناهان و کودکان در خون‌تپیده فلسطین باشند.

مهرداد اوستا، بهمن صالحی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی، نصراله مردانی، محمدعلی مردانی، علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده،